

## بررسی اقتباسات قرآنی «نفثه المصدور» زیدری

### بر محور تأثیرات بینامتنی

مهرداد نصرتی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه یزد

دکتر محمد کاظم کهدویی

دانشیار - عضو هیأت علمی دانشگاه یزد

### چکیده

حوادث سیاسی - اجتماعی که در تاریخ ایران، به عنوان پایگاه زبان و ادبیات فارسی، رخ داده، موجب شده تا زبان‌های فارسی و عربی در کنار ادبیات هر کدام، با یکدیگر پیوندی ناگسستنی برقرار کنند. این پیوند باعث تأثیر متون عربی، خصوصاً قرآن مجید، بر متون نظم و نثر فارسی با فراوانی نسبی قابل توجهی گردیده است. از سویی سابقه ذهنی مخاطبان از قرآن، ایجاب می‌کند هر نوع تأثیرپذیری با هر روشی (وام‌گیری در سطوح مختلف واژه، اصطلاح، آیه، اقتباس و تضمین و ...) با دقت بالایی صورت گیرد، چرا که در غیر این صورت، متن از وحدت ارتقاءبخش، محروم می‌گردد. نفثه المصدور، اثر به یاد ماندنی زیدری نسوی، از جمله متونی است که در آن، موارد بسیاری از تأثیرپذیری‌ها، خصوصاً اقتباسات و وام‌گیری‌های بسیار از متن قرآن با فراوانی تقریباً یک آیه برای هر صفحه را شاهد هستیم. ضمن تأمل در حضور ذهن مثال‌زدنی مؤلف بر متن قرآن، در پاره‌ای موارد، عدم همخوانی حسی - دریافتی فضای حاکم بر وام‌ها و مقتبسات با متن مقصد که موجب تباین‌های جدی در بینامتن ایجاد شده می‌گردد، قابل ملاحظه است. در مقاله حاضر با تکیه بر شواهدی، به بررسی همراستایی یا عدم همراستایی تأثیری آیات قرآنی با متن این کتاب و تحلیل بینامتن ایجاد شده، می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: نفثه المصدور زیدری، قرآن کریم، اثرپذیری تطبیقی، بینامتنیت، تضمین و وام‌گیری

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

### مقدمه

ارتباط تنگاتنگ متون نظم و نثر فارسی و عربی، موجب شده است تا در آثار متعدد فارسی پس از اسلام، تأثیر پذیری‌های فراوان و متفاوتی را از متون عربی، بخصوص از قرآن، حدیث و روایت شاهد باشیم. در عین حال، لازمه‌ی تأثیرپذیری ادبی میان دو زبان و بلکه دو متن، دقت کافی در گزینش و نحوه‌ی استفاده از به‌وام‌ها و اقتباسات، با توجه به پیشینه‌ی آن در زبان و یا متن مبدايي است که خود آشنای زبانوران زبان و مخاطبان متن مقصد است. در چنین شرایطی، هر مؤلفه‌ی مقتبس (مانند: واژه، اصطلاح، بیت، آیه، ضرب‌المثل و...) حین به کار رفتن در متن دیگر (یعنی در کاربرد "بین‌زبانی" Interlingual Usage و یا "بینامتنی" Intertextual Usage)، تأثیراتی را با خود به درون زبان و یا متن مقصد حمل می‌کند که مربوط به همان پیشینه‌ی خاص خود، در زبان و متن مبدأ است. کاربردهای

درون‌زبانی (Intralingual Usage) این پدیده، در نظریات هارلد بلوم، طی مباحث مربوط به نقد برابرنهادی یا دلهره‌ی تأثیرپذیری و همچنین تحت عناوینی مثل پدر- شعر و پدر- شاعر انعکاس یافته، لیکن از حوزه‌ی پژوهش حاضر خارج است. (رک: مقدمات فرانقد ادبی، مهرداد نصرتی: ۱۳۹۱).

در این پژوهش، نفثه‌المصدر زیدری را از بابت چگونگی تأثیرپذیری‌های متعدد آن از متن قرآن کریم مطالعه می‌کنیم تا نشان دهیم که از زاویه‌ی نقد بینامتنی، آیا پدیدآور همواره در هدایت این تأثیرات قرآنی به سوی همگن بودن با تأثیرات متن (نیت مؤلف) موفق بوده‌است یا خیر؟

اهمیت این تحقیق که با روش کتابخانه‌ای - استنتاجی صورت می‌گیرد، در مطالعه‌ی کیفیت و کمیت تأثیرپذیری‌های قرآنی در متن نفثه‌المصدر و همراستایی تأثیری آیات با متن مذکور یا عدم آن از منظر بینامتنیت است. این مهم با مطالعه‌ی شواهد تأثیرپذیری‌های قرآنی در متن مذکور و قیاس معنا و تأثیرات متوقع از هریک به دست می‌آید؛ همچنین این تحقیق، عارضه‌ی سوء تفاهم برخی محققان، از نقد بینامتنی و اشتباه گرفتن آن با نقد تاریخی تأثیرپذیری که روشی سنتی است را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

#### ۱،۱ پیشینه تحقیق:

در باب متن نفثه‌المصدر، پژوهش‌های قابل‌اعتنایی صورت‌گرفته از جمله: مقدمه و توضیحات نفثه‌المصدر زیدری نسوی (یزدگردی، ۱۳۷۰)، درد دل: تحریر نوین نفثه‌المصدر شهاب‌الدین محمد منشی نسوی (ثروت، ۱۳۹۱)، در آمدی بر سخن‌آرایی و ظرافت‌های معنایی در نفثه‌المصدر زیدری نسوی (فاضل، ۱۳۸۸)، بررسی کنایه و انواع آن در نفثه‌المصدر (صادقی، ۱۳۸۷) نموده‌های رمانتیسیم در نفثه‌المصدر (بتلاب اکبر آبادی ۱۳۹۰)، بررسی روایت و بن‌مایه‌های داستانی در نفثه‌المصدر (محمود رنجبر، ۱۳۹۱)، نگاهی به نثر فنی بر مبنای مقایسه نفثه‌المصدر و دره‌نادره (محمدیان، ۱۳۹۲)، صنعت ایهام در آفرینش سبک هنری نفثه‌المصدر (قدیری یگانه، ۱۳۸۹)، نقد و بررسی زیباشناختی نفثه‌المصدر (طحان، ۱۳۸۷)، نگاهی تازه به ویژگی‌های زبانی و بلاغی نفثه‌المصدر (مهربان، ۱۳۹۰)، بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفثه‌المصدر (سرمدی و عابدی، ۱۳۹۲).

#### ۲. تحلیل:

##### ۲،۱ زیدری نسوی:

شهاب‌الدین خرندزی زیدری نسوی، نویسنده و شاعر قرن هفتم، متولد شیروان و متوفی به سال ۶۴۷ ه.ق است. او پس از تحصیل در خراسان، منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، واپسین پادشاه خوارزمشاهی بوده‌است. شهاب‌الدین نخست در خدمت امرای محلی نسا بوده و بعدها در عراق و آذربایجان به سلطان جلال‌الدین می‌پیوندد و از سال ۶۲۲ ه.ق به سمت صاحب دیوان انشاء رسیده، تا پایان عمر در این منصب باقی می‌ماند. او که در حمله‌ی تاتار، آواره‌ی آسیای صغیر و آذربایجان گشته بود، نهایتاً در میافارقین خود را به خدمت ملک ایوبی رسانده و همانجا کتاب نفثه‌المصدر را

در سال ۶۳۲ ه. ق تالیف و به وی تقدیم می‌کند. سیرت جلال‌الدین اثر دیگر این مؤلف است. نسوی در سال ۶۴۷ هجری قمری در حلب درمی‌گذرد.

**۲,۲ نفثه‌المصدر:** کتابی است تألیف شهاب‌الدین خرندزی زیدری نسوی، منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه که در آن با نثری مصنوع و انباشته از صنایع لفظی و معنوی، به شرح برخی حوادث ناگوار زمان حمله‌ی تاتار به ایران و سرگردانی وی در آن اوضاع می‌پردازد. همانگونه که از نام کتاب و سراسر متن آن برمی‌آید، مؤلف کوشیده تا حس اندوهناکی را که شرایط روزگار براو تحمیل کرده‌است به خواننده منتقل کند و البته در این میان، سندی نیز از شرح وقایع آن روزگاران بر جای گذارد.

در میان انبوه صنایع ادبی که سرتاسر نفثه‌المصدر را انباشته‌است، صنعت‌هایی همچون؛ انواع وام‌گیری واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی... و به ویژه، تطبیقی که حاکی از تأثیرپذیری متن، از منابع قران و حدیث است، بیشترین چشم‌نوازی را دارد. بنابراین شایسته است پیش از ورود به بررسی شواهدی از متن نفثه‌المصدر، نگاهی گذرا به انواع کلی تجلیات قرآنی و حدیثی در ادب پارسی بیندازیم.

### ۲,۳ شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری:

آثار فارسی پس از اسلام، به انحاء مختلف از متون مقدسی همچون؛ قران، احادیث و روایات بهره‌مند شده‌اند که در سطوح مختلفی همچون؛ واژگانی (شامل: وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی) و گزاره‌ای قابل بررسی است. تأثیرات گزاره‌ای با شیوه‌هایی مختلف صورت می‌یابد که مهمترین آنها عبارتند از: اقتباس و تضمین، حل و تحلیل، گزارشی ترجمه‌ای، تفسیری، الهامی بنیادین، تلمیحی، تاویلی، تطبیقی، تصویری، ساختاری سبکی، شیوه‌ای و چندسویه،

**اثرپذیری واژگانی** متون فارسی از منابع مذکور به سه شکل صورت گرفته‌است:  
**وام‌گیری:** مانند وام گرفتن کلمه‌ی "تقوا" در "نه من از پرده‌ی تقوا به در افتادم و بس".

**ترجمه:** مانند به کارگیری "شب قدر" که ترجمه‌ی لیل‌القدر است در "آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است".

**برآیندسازی:** مانند "ید بیضاء" در "سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد" که برآیندسازی است از داستان حضرت موسی(ع) در قران کریم.

**اثرپذیری گزاره‌ای، شامل:**

**اقتباس و تضمین:** مانند "بسم الله الرحمن الرحیم/ هست کلید در گنج حکیم" که در آن "بسم الله الرحمن الرحیم" بدون هیچ تغییری اقتباس گردیده‌است.

**حل یا تحلیل:** مانند "تا الیه یصعد اطیاب الکلام/ صادعاً منّا الی حیث علم" که تحلیل آیه شریفه‌ی "الیه یصعد الکلم الطیب" (فاطر، ۱۰) است.

اثرپذیری گزارشی (شیوه‌ی نقل قول)، شامل:

**ترجمه پای‌خون:** مانند "قیمت هرکس به قدر علم اوست" (ناصرخسرو، دیوان، ص ۱۱۹) که ترجمه تحت الفظی حدیث "قیمه کل امرء ما یعلم" (غرر الحکم، ۵۰۲/۴) امام علی(ع) است.

**ترجمه آزاد:** مانند "این گور تو چنان که رسول خدای گفت/ یا روضه بهشت است، یا کنده سعیر" (ناصرخسرو، دیوان، ص ۱۰۴) که ترجمه‌ی آزادی است از "القبر اما روضه من ریاض الجنه او حفره من حفر النیران" (الجامع الصغر، ۳۶۷/۱)

**تفسیر:** که طی آن، شاعر یا نویسنده، آیه یا حدیثی را واگشایی می‌کند. مانند "سه طاعت واجب آمد بر خردمند/ که آن هر سه به هم دارند پیوند" الی شش بیت بعد (ویس و رامین، ص ۷) که واگشایی معنایی آیه "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ" (نساء، ۵۹) است.

**اثرپذیری الهامی - بنیادی:** مانند "واعظ شحنه‌شناس این عظمت گو مفروش/ زانکه منزلگه سلطان دل مسکین من است" (حافظ، دیوان، ص ۵۹) که در آن حافظ، انا عند المنکسره قلوبهم (کشف الاسرار، ۷۰۱/۱) را دست مایه‌ی مضمون قرار داده، بیت را بنیاد نهاده است.

**اثرپذیری تلمیحی:** که در آن، آیه یا حدیثی بنیاد شعر و یا سخنی است، ضمن آنکه پدیدآور، نشانه و اشاره‌ای را همراه آن می‌کند. مانند "جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه/ چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند" که "هفتاد و دو ملت" اشاره و نشانه‌ای است بر توجه نسبت به روایت "إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرُقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ" (سفینه البحار، ۳۵۹/۲).

**اثرپذیری تاویلی:** که در آن علاوه بر دستمایه شدن آیه و یا حدیث، ذوق پدیدآور در تأویل مطلب هم دخیل می‌شود. مانند: "مسکن یارست و شهر شاه من/ پیش عاشق این بود حبّ الوطن" (مثنوی معنوی، ۳۸۰۷/۳) که تأویل ذوقی حبّ الوطن من الایمان است.

**اثرپذیری تطبیقی:** که در آن حدیث یا آیه را با موردی که به ظاهر نامربوط با آن است، تطبیق می‌دهند. مانند آنکه مولوی، تعبیر "ارض الله الواسعه" را به ساحتی تطبیق می‌دهد که اولیای خدا پس از عبور از دنیا، بدان راه می‌یابند "آنکه ارض الله واسع گفته‌اند/ عرصه‌ای دان کاولیاء دررفته‌اند" (مثنوی، ۳۱۸۰/۱)

**اثرپذیری تصویری:** که در آن از صور خیال موجود در آیات و روایات بهره می‌برند. مثلاً نکته‌ای قرآنی را مشبه به تشبیه و تمثیل قرار می‌دهند. مانند بهره‌گیری از جنات تجری تحت الانهار (توبه، ۱۰۰) در "چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت/ شیوه‌ی جنات تجری تحتها النهار داشت" (حافظ، دیوان، ص ۹۸)

**اثرپذیری ساختاری - سبکی:** مانند شعر "سوره‌ی تماشا" ی سهراب سپهری که شیوه‌ی ساختاری آن مانند سوگند یاد کردن‌های قرآنی است: با تماشا سوگند/ و به آغاز کلام/ و به پرواز کیوتر از ذهن/ واژه‌ای در قفس است... " (هشت کتاب، ص ۳۷۳)

**اثرپذیری شیوه‌ای:** از شیوه بیانی- بلاغی قران یا حدیثی برای تولید اثر بهره ببرند. مانند امکان قرائت‌های متفاوتی که از برخی آیات قران ممکن است و بیت "آن همه شعبده‌ها عقل که می‌کرد اینجا/ سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد" (حافظ، دیوان، ص ۱۵۹) که سامری و ساحری، هر دو را مطرح کرده‌اند.

**اثرپذیری چندسویه:** که به دلیل عدم ممانعت از جمع این شیوه‌ها، چند شیوه در یک مورد بهره‌گیری می‌شود. مانند "فیض روح القدس از باز مدد فرماید/ دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد" (حافظ، دیوان، ص ۱۵۹) که هم اثرپذیری تلویحی و هم اثرپذیری واژگانی (واژه‌های روح القدس و مسیحا) دارد. (راستگو، ۱۳۸۳)

#### ۲,۴ شیوه‌های اثرپذیری نفثه‌المصدر از قران کریم:

حال باید دید که از میان انواع روش‌های تجلی آیات در متون فارسی، کدام انواع بیشترین کاربرد را در نفثه‌المصدر زیدری داشته‌اند. مطابق یافته‌های پژوهشگران؛ مجید سرمدی و علی عابدی، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی مفهومی و ساختاری آیات قران در نفثه‌المصدر" و طی تقسیم‌بندی انواع روش‌های تأثیرگذاری، نزدیک به آنچه از سیدمحمد راستگو در "تجلی قران و حدیث در شعر فارسی ملاحظه کردیم، شیوه‌های اثرپذیری نفثه‌المصدر از قران کریم عبارت است از؛ گونه‌ی برهان‌آوری و توجیه با استفاده از آیات قرانی، اثرپذیری ساختاری- سبکی و بهره‌وری هنری (تزیین، تجمیل، تناسب، قرینه‌پردازی و ...)، اثرپذیری معرفتی- اعتقادی، بهره‌برداری تعریضی، اثرپذیری الهامی- تاریخی و مشابه‌سازی قصص قرانی، تصویرپردازی و توصیف، ارتباط مفهومی و پیوند معنایی، گونه‌ی استفاده تمثیلی، گونه‌ی حل (تحلیل) و نهایتاً اثرپذیری واژگانی (سرمدی و عابدی، ۱۳۹۲) که شواهدی از آنها در طول پژوهش مرور خواهیم کرد.

#### ۲,۵ بررسی مخاطب محور تأثیرپذیری متون:

اگرچه مطالعات مفصل و متعددی پیرامون تأثیرپذیری متون فارسی از متون عربی، خصوصاً قران و احادیث صورت گرفته‌است، لیکن آنچه کمترین توجه بدان مبذول شده، بررسی این مسئله از منظر مخاطب و تأثیرات این تأثیر پذیری‌ها بر او، یعنی بر شیوه‌ی خوانش متن تأثیر پذیرفته‌است.

**۲,۶ تأثیرپذیری متون و پیش آگاهی‌های مخاطب:** نخستین نکته‌ای که در اینجا باید به صورت جدی مد نظر قرار داد، آن است که خواننده‌ی متن (شعر و یا نثر) فارسی که به انحاء مختلف از قران، احادیث و روایت تأثیر پذیرفته‌است، در اغلب موارد، خود نسبت به متون تأثیرگذار (و در تحقیق حاضر، قران کریم) از قبل آگاهی‌هایی دارد. طبیعی است که چنین خواننده‌ای تأثیرات (Impressions) حاصل از آگاهی پیشین خود را به درون متن تأثیر پذیرفته‌ی پیش رویش بیاورد. به تعبیر رولان بارت، از محققان علاقه‌مند به مباحث بینامتنیت (Intertextuality)، آنگاه یک "بینامتن" ایجاد می‌شود که آمیزه‌ای پیچیده از آگاهی و امپرسیون حاصل از متن قبلی و متن جدید است. بارت می‌گوید که هر متنی یک بینامتن است؛ دیگر متن‌ها در سطوح متغیر و با شکل‌های کمابیش قابل شناسایی در آن حضور دارند؛ متن‌های فرهنگ پیشین و متن‌های فرهنگ پیرامون؛ هر متنی یک بافت جدید از نقل قول‌های متحول شده‌است. آنچه بارت در پی توصیف آن است، تأثیرات روانشناختی است که متون دیگر بر تولید و نیز خوانش اثر جدید دارد و بر روی هم، اثری را

در مخاطب شکل می‌دهد که مستقل از متون موثر و متن مورد خوانش است. وی معتقد است که بینامتن، هفت خصوصیت دارد که عبارتند از: روش، گونه‌ها، نشانه، تکرار، خویشاوندی، خوانش و لذت. (برای مطالعه بیشتر، رک. نصرتی: ۱۳۹۱)

برای روشن شدن مطلب به مثالی توجه کنیم که در آن، آیه یا بخشی از آن، با سابقه‌ی امپرسیونی "وصف الحال اهل دوزخ و ناله‌ها و فریادهای ایشان" نزد مخاطب، در متن تأثیرپذیرنده و توسط پدیدآور آن، برای وصف غرش ابرهای باران‌زا به کار رود. در اینجا تناقض احساسی - دریافتی آشکاری در بینامتن ایجاد شده، پامی‌گیرد که حاصل عدم تطابق است. این غرش، هرچه باشد، نویدبخش باران است و علیرغم ترسناکی، مطلوب، حال آنکه در فریاد اهل دوزخ هیچ خیریه نیست؛ البته برخی از محققین تلاش کرده‌اند تا با اختصاص نامی همچون؛ "تأثیرپذیری تطابقی" و ارائه‌ی تعریف و شاهد - مثال، این شیوه را توجیه کنند، لیکن پیدایش بینامتن مذکور ناگزیر است و با نامگذاری و تعریف‌هایی از این دست، غیرفعال نمی‌شود. بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بپذیریم چنین کاربری‌هایی از وام‌گیری، چه از روی آگاهی و چه از جهت سهو، در مقابل وحدت تأثیری متن و در نتیجه، بر تأثیر مطلوب است.

**۲،۷ وحدت و ارتقاء متن:** مطابق نظر لانگینوس، از متفکرین ماقبل تاریخ، که نظریات ارزشمند او در باب ارتقاء متن در مقاله‌ای با عنوان "شکوه سخن" همچنان مد نظر منتقدان ادبی است، برای تحصیل هدف والایی متن، مولفه‌هایی پیشنهاد می‌شود. از سویی استفاده از آرایه‌ها که قرار است از مؤلفات ارتقاء سخن باشد، زمانی مؤثر است که در خدمت متن باشد. اگرچه در دوره‌ای پرداختن افراطی به نظریات هرمنوتیکی و مغطه‌ی نیت، هر منتقدی را برای تحلیل وحدت تأثیری متن، در موضع انفعال قرار می‌داد، اما رفته رفته این نظر تعدیل گشت و نهایتاً تأمین عدم تأثیر لجام گسیخته غالب میدان شد.

**۲،۸ نکته‌ای در آسیب‌شناسی مطالعات بینامتنی در ایران معاصر:** آنچه شایسته توجه جدی است آن است که بینامتنیت و تأثیر و آثار بر یکدیگر که متعلق به نقد قدیم است، دو مفهوم متفاوتند و باید از یکدیگر جداسازی شوند. بارت طی مقاله‌ی "از اثر به متن" مطرح کرده‌است که بینامتن، هویت و خاستگاه مستقل از متن داشته، در سراسر یک متن وجود دارد. این مطالعات از بررسی نقل قول‌های مستقیم که معمولاً داخل گیومه می‌آیند، به همراه نقل قول‌های غیرمستقیم قابل شناخت در مطالعه‌ی ابتدایی، بایست جداگانه بحث شوند.

بی‌توجهی به این مسئله‌ی اساسی است که موجب می‌شود تا به صورت پیاپی، شاهد پژوهش‌هایی باشیم که عنوان مطالعات بینامتنی را یدک می‌کشد، اما چیزی به جز "تأثیرشناسی اثری بر اثر دیگر" که بخشی از نقد تاریخی و مطالعات مقایسه‌ای است، نیست.

**۲،۹ وام‌ها و مقتبسات در نفته‌المصدر و کاربرد آنها:** نثر مصنوع نفته‌المصدر، اگرچه متراکم از صنایع مختلف ادبی من جمله، بدیع لفظ و معنا است، اما وام‌گیری‌های متعدد پدیدآور در سراسر متن، این موضوع را حائز اهمیتی خاص کرده‌است.

تأثیرپذیری‌های موجود در متن کتاب نفثه‌المصدر مبتنی بر بسامد تقریبی آنها، شامل: اشعار عربی و فارسی، آیات قرآن کریم، روایات نبوی(ص)، علوی و ... و نهایتاً ضرب المثل‌ها و اصطلاحات است. اگرچه تحلیل همه‌ی تضمین‌ها و اقتباسات این کتاب، در مقاله‌ی حاضر مقدور نیست، اما به نظر می‌رسد که هویت مستقل معنایی و تأثیری این مولفه‌ها، همگی، به غیر از آیات قرآنی، تقریباً در خدمت متن است و بینامتن ایجاد شده از مطالعه‌ی آن قسمت‌های متن، تبیینی در آگاهی و امپرسیون مخاطب ایجاد نکند(مسلم است که اثبات این امر، مستلزم تحقیقات مفصل دیگری است و تحقیق حاضر، تنها به نحوه‌ی تأثیرپذیری و خصوصاً، اقتباسات قرآنی نفثه‌المصدر، با توجه به نظریه‌ی بینامتنی، بسنده می‌کند). مؤلف کتاب نفثه‌المصدر، به مراتب از آیات قرآن کریم در میان جملات خود بهره می‌برد که بنا بر نظر دکتر امیرحسین یزدگردی، در مقدمه‌ی کتاب خود، به شرح دهگانه ذیل است. از آنجا که موضوع بررسی ما، تأثیرگذاری حسی و معنایی است(و نه تحلیل دستوری) برای هر مورد زیر، تنها به مرور نمونه‌ای بسنده می‌کنیم:

- ۱- با "که" حرف ربط برای توضیح و تبیین: ص ۱۱۴، س ۱
- ۲- به صورت ترکیب اضافی: ص ۱، س ۴ و ۵
- ۳- برای تأیید و تأکید معانی قبل: ص ۳، س ۱۲
- ۴- برای متمیم معنی نیمه تمام عبارت فارسی: ص ۵۷، س ۶ و ۷
- ۵- به صورت جمله معترضه به قصد تأیید و تأکید کلام: ص ۱۰۵، س ۱۲
- ۶- به صورت تشبیه و تمثیل: ص ۴۳، س ۹
- ۷- بخ صورت قید وصف و حالت و کیفیت: ص ۶۷، س ۴ و ۵
- ۸- به صورت مخلص: ص ۹۱، س ۲ و ۳
- ۹- به طریق حل: ۹۷، س ۳
- ۱۰- به صورت اشارت به پاره‌ای از کلمات مشخص و برجسته آیه و حدیث و مثل: ص ۱۵، س ۶(یزدگردی،

(۱۳۸۵)

۲،۱۰ بررسی کمی تضمین و اقتباس آیات قرآنی در نفثه‌المصدر: در متن نفثه‌المصدر، مجموعاً از ۱۳۴ آیه، مستقیماً بهره گرفته شده(به طور متوسط، تقریباً در هر صفحه یک آیه) که در ۲۲۸ موضع به کار رفته‌اند. یعنی در ۸۹ مورد(۶۶،۴ درصد از کل موارد) آیه تکراری است. در ۸۴ مورد(۹۴،۴ درصد) یک آیه دوبار و در ۵ مورد(۵،۶ درصد) یک آیه، سه بار استفاده شده‌است.

#### ۲،۱۱ بررسی کیفی اقتباسات قرآنی نفثه‌المصدر با محوریت امپرسیون بینامتنی:

۲،۱۱،۱ در این قسمت به جهت بررسی تناسب معنایی-تأثیری، به مقایسه‌ی معنای برخی آیات مقتبس در نفثه‌المصدر(با توجه به بافت قرآنی آنها و بر اساس ترجمه و شرح مختصر ناصر مکارم شیرازی) با بافت معنایی متن کتاب می‌پردازیم. از آنجا که هدف این تحقیق اثبات وجود موارد عدم انطباق معنایی- تأثیری است(که خود زائیده‌ی عدم دقت یا بی‌تفاوتی زیدری نسبت به این تأثیرات است) و نیز به لحاظ رعایت حوصله‌ی مقاله، از مقایسه‌ی تمام ۲۲۸ مورد

تضمین قرانی صرف نظر و به مواردی چند بسنده می‌کنیم. در هر مورد، ابتدا متن نفته‌المصدر (متن مقصد) و فضای کلی حاکم بر آن (الف)، بعد اصل متن مقصد و فضای کلی حاکم بر آن (ب)، و نهایتاً شرایط موجود در بینامتن (ج) را مرور و نتیجه‌گیری می‌کنیم.

#### مورد ۱:

**الف)** در این مدت که تلاطم امواج فتنه کار جهان بر هم شورانیده‌است... (و) بروق غمام بصربای "یکاد البرق یخطف ابصارهم" ببریق حسام سر ربای متبدل شده... (نفته‌المصدر، ص ۱، س ۴ و ۵)

**فضای کلی:** زیدری فضای سیاسی- اجتماعی محیط خود را توصیف می‌کند. وقتی مهاجمان مغول، امان و آسایش مردم را بریده‌اند و خطر از همه سو در کمین است.

**ب)** آیه‌ی مذکور بخشی از آیه ۲۰ سوره ۲ (البقره) است: **يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ ۖ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.** ترجمه: (روشنایی خیره کننده) برق، نزدیک است چشمان‌شان را برباید. هر زمان که (برق، صفحه بیابان را) برای آنها روشن می‌سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می‌روند و چون تاریکی آنها را فرا می‌گیرد، می‌ایستند. و اگر خدا می‌خواست، گوش و چشم آنها را از بین می‌برد، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

**فضای کلی:** مثالی برای توصیف حال منافقان است: "شبی است تاریک و ظلمانی پرخوف و خطر. باران به شدت می‌بارد. از کرانه‌های افق، برق پرنوری می‌جهد. صدای غرش وحشت‌زا و مهیب رعد، نزدیک است که پرده‌های گوش را پاره کند. انسانی بی‌پناه، در دل این دشت وسیع و ظلمانی و پر از خطر، حیران و سرگردان مانده‌است. باران سنگین، بدن او را مرطوب ساخته است. نه پناهگاه مورد اطمینانی وجود دارد که به آن پناه برد و نه ظلمت اجازه می‌دهد گامی به سوی مقصد بردارد... منافقان درست به چنین مسافری می‌مانند، آنها در میان مؤمنانی که همچون سیل خروشان و بارانی پرپشت، به هر سو پیش می‌روند، قرار گرفته‌اند. افسوس که به پناهگاه مطمئن ایمان، پناه نبرده‌اند تا از شر صاعقه‌های مرگبار مجازات الهی نجات یابند. جهاد مسلحانه‌ی مسلمین در برابر دشمنان، همانند خروش رعد و صاعقه بر سر آنها فرود می‌آمد، گاه گاه، فرصت‌هایی برای پیدا کردن راه حق نصیب‌شان می‌شد و اندیشه‌هاشان بیدار می‌گشت، ولی افسوس که این بیداری، همچون برق آسمان، دیری نمی‌پایید. تا می‌خواستند چند گامی بردارند، خاموش می‌شد و تاریکی غفلت و سپس توقف و سرگردانی جای آن را می‌گرفت.

**ج)** مقایسه این دو نشان می‌دهد که نویسنده، تنها با توجه به شرایط دشواری که بر منافق و خود، در جامعه‌ی آشوب‌زده‌ی حاکم است، از این آیه بهره گرفته‌است؛ اما آیا زیدری خود را چون آن منافق می‌داند؟ اگرچه در دل بینامتن ایجاد شده، این تشابه و حتی یکسان‌انگاری ناگزیر است؛ اما بنا بر متن نفته‌المصدر، چنین نیست، بلکه نویسنده به بافت معنایی عبارات تضمین شده و جوانب امر، توجه نداشته و یا شاید فارغ از این تاثیر غیر قابل انکار که محصول سابقه‌ی ذهنی خواننده از مطالعات پیشین در قران کریم است، به استفاده از آن دست زده‌است. بینامتن حاضر، تأثیری تبادری، ولی جدی دارد که به مخاطب می‌گوید: این حق زیدری است تا چنین سرنوشتی داشته باشد!



### مورد ۲:

**الف)** از قلم که تا بر سیاه نشیند سپید عمل کند و بر سپید سیاه، جز نفاق چه کار آید؟!...طالب علمی ست سودا بر سرزده، تا تن دو نیم نکنند، ذوفنون نشود "لم تکنونوا بالغیه الا بشق النفس" در فصاحت حریری ست و اصلش قصب... (نفثه المصدور، ص ۳، س ۱۲)

**فضای کلی:** راوی که دچار روزگار گردیده است، می خواهد به قلم، یعنی به نوشتن پناه ببرد؛ لیکن از سوی دیگر می داند که قلم هم دو زبان است و فریبکار. یعنی کاری از قلم هم بر نمی آید.

**ب)** وام مذکور بخشی از آیه ۷ سوره ۱۶ (النحل) است: وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۗ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ. ترجمه: آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که خودتان جز با مشقت زیاد، به آن نمی رسیدید، پروردگارتان به یقین رئوف و مهربان است.

**فضای کلی:** توصیف منافی است که چهارپایان برای انسان دارند: "در این آیه، نخست، به مسأله خلقت چهار پایان که دلیلی بر علم و قدرت خدا است، پرداخته، پس از آن به بیان نعمت های مختلفی که در آنها وجود دارد می پردازد، و از میان این نعمت ها به سه قسمت اشاره کرده: ابتدا مسأله "دفع" است که هرگونه پوشش را شامل می شود، (با استفاده از پشم و پوست آنها) مانند لباس، لحاف، کفش، کلاه، خیمه. و دیگر "منافع" که اشاره به شیر و مشتقات آن است. و سوم گوشت که با جمله "وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ" بیان شده است.

**ج)** زیدری در متن خود، به توصیف ضعف قلم در شرح ماجرای حمله ی مغول و مصائب حاصل از آن می پردازد. سپس می گوید قلم تا تیغ نخورد و از میان به دو نیم نشود، از نوشتن معذور است. مقایسه ی این دو نشان می دهد که اولاً؛ نویسنده به تناسب لفظی میان "شق" به معنای سختی و شقه شدن قلم توجه داشته است. سؤال این است: آیا همین تناسب موجب رها کردن مهمترین مسئله، یعنی توجه به فضای حاکم بر دو متن، نشده است؟! (برای مطالعه بیشتر در باب چنین خطاهایی ر.ک: شفیعی کدکنی، محمدرضا، رستاخیز کلمات، جادوی مجاورت، صص ۴۲۲-۴۰۷) در نمونه ی قرآنی، بحث از منافع چهارپایان است و در متن زیدری، معایب و ضعف قلم. میان این دو چه نسبت ادبی که بر ستون زیباشناختی و یا حتی ذوق، اما ذوق سلیم، استوار باشد، می توان برقرار کرد غیر از کشیدن بار، آن هم در فضایی که در آیه ی مذکور وصف می شود؟!

### مورد ۳:

**الف)** ...سر از بالین برداشتم، ملاعین دوزخی را وَ وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ، تَرَهَّقُهَا قَتَرَةٌ، أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجِرَةُ، بحوالی خرگاه پادشاه محیط یافتم... (نفثه المصدور، ص ۵۲، س ۲-۴)

راوی نفثه المصدور، صحنه ای را توصیف می کند که طی آن، سر از بالین برمی دارد و می بیند که مهاجمان، ایشان را محاصره کرده اند.

ب) متن مذکور آیات ۴۰ تا ۴۲ سوره عبس است: **وَوَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ \* أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ \* أَلْفَجْرَةٌ** ترجمه: و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است، \* و دود تاریکی آنها را پوشانده‌است، \* آنان همان کافران و فاجراند.

فضای کلی: خداوند حال مومنان و کافران را در قیامت مقایسه می‌کند و پس از آنکه مومنان را شاد از پیروزی نشان داد، به وصف حال و روز کافران می‌پردازد که شکست خورده و مغموم و مغبورند.

ج) آیا مهاجمی که پیروزمندانه بالای سر دشمن مغلوبش رسیده‌است، وضعیتی شبیه به شکست‌خورندگان عرصه‌ی قیامت دارد؟ یا شاد و پر تحرک و پرانرژی، آماده‌ی در هم کوفتن دشمن است؟ آیا غبارنشستگی بر چهره و لباس جنگجویان، آن هم در زمانی که دشمن را زیر تیغ شبیخون خویش گرفته‌اند، با غبارگرفتگی چهره‌ی کافران در قیامت که فی‌الواقع توصیف‌گر غم و اندوه آنان است، یکی است؟!

مورد ۴:

الف) خود را پیاده و پای‌کشان با مغاری چون حال محنت‌زده و حوصله‌ی بخیل تنگ و تاریک انداخته... و آن کهف دلگیر را سه شبانه روز(ع) با یک دو آشنا هم از ابنای روزگار، که خواجه محمد جو دانه رابع ما بود، بیت الاحزان خویش ساخت. ورد آن جماعت که "لو اطلعت علیهم لولیت منهم فرازا و لمثلت منهم رعبا" بود، در آن مدت: آتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبا.

فضای کلی: راوی نفثه‌المصدور می‌گوید که در حین فرار، به همراه عده‌ای دیگر، از روی ناچاری به غاری پناهنده شدند که بسیار تنگ و تاریک بوده است. وی ظاهراً قصد داشته است تا بگوید این عده که شایسته‌ی آن هستند تا با دیدن‌شان، بیننده بترسد و بگریزد، همه‌ی سودای‌شان تهیه آب و غذایی شده بود و البته وضع خود را وخیم‌تر از آن توصیف می‌کند که بتواند به غذا فکر کند(اگرچه این معانی ابدأ خوب بیان نشده‌اند).

ب) "لو اطلعت علیهم لولیت منهم فرازا و لمثلت منهم رعبا" بخشی از آیه ۱۸ سوره‌ی کهف است: **وَنَحْسِبُهُمْ اٰیْقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ ۚ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْیَمِیْنِ وَذَاتَ الشَّمَالِ ۚ وَكُلُّبُهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعِیْهِ بِالْوَصِیْدِ ۗ لَوْ اَطَّلَعْتَ عَلَیْهِمْ لَوَلَّیْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَكَلَّمْتَهُمْ مِنْهُمْ رَعْبًا** ترجمه: و (اگر به آنها نگاه می‌کردی) آنها را بیدار می‌پنداشتی؛ در حالی که در خواب فرو رفته بودند. و ما آنها را به سمت راست و چپ می‌گرداندیم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها (مانند نگهبان) دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود. اگر از حال آنان آگاه می‌شدی، از آنان می‌گریختی؛ و تمام وجودت را وحشت فرامی‌گرفت.

"آتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبا" بخشی از آیه ۶۲ سوره‌ی کهف است: **فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِقَتَاهُ اٰتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْنَا لَقِیْنَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا**. ترجمه: وقتی(از آنجا) گذشتند، موسی به خدمت گزارش گفت: غذای صبح گاهی ما را بیاور که از این سفرمان سختی و خستگی بسیار دیدیم.

فضای کلی: در اینجا بخش‌هایی از چند آیه‌ی سوره‌ی کهف را می‌بینیم. اگرچه هر دو از سوره‌ی واحدی هستند، لیکن مربوط به دو داستان متفاوت می‌باشند. اولین آنها وضعیت اصحاب کهف و رقیم را توصیف می‌نماید: آنها خواب

بودند، اما به نظر بیننده بیرونی بیدار می‌رسیدند، فلذا هر کس به آنها نزدیک می‌شد و آنها را می‌دید، ترس سراپای او را می‌گرفت و از آنجا و آنها می‌گریخت.

سپس داستان حضرت موسی و خدمتگذار همسفر اوست. موسی(ع) از او می‌خواهد که غذای‌شان را بیاورد در حالیکه شیطان باعث شده غذا(ماهی) را جا بگذارند و عجیب آنکه ماهی زنده شده، به دریا بازمی‌گردد. مهم آن است که این اتفاق، همان نشانه‌ای است که به موسی(ع) می‌گوید همین‌جا باید به دنبال گمشده‌ی خویش بگردد.

ج) اگرچه متن در اینجا به شدت دچار تعقید معنایی است، ولی مقایسه بخش دوم اقتباس قرآنی این مثال، یعنی بحث خواستن غذا، در قرآن و نفثه المصدور، نشان از دو فضای کاملاً متفاوت می‌دهد. در یکی غذا گم می‌شود، اما این مایه خوشوقتی می‌گردد، چرا که نشان از حضور یار دارد. غذا نشانه است. گم می‌شود تا مطلوب پیدا شود. پس چه بهتر که گم شود. در دیگری غذا خود، مطلوبی است که از روی افلاس و درماندگی باید در پی او بود. دو فضای احساسی جداگانه موج می‌زند: یکی مثبت و دیگری منفی. این تناقض احساس، باعث درهم شکستگی وحدت تأثیری متن است.

از این هم که بگذریم، مسئله دیگر مربوط به "خواجه محمد جو دانه رابع ما بود" است. تأثیرگذاری از نوع شیوه‌ای - بیانی، آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی کهف را به ذهن خواننده متبادر می‌کند: سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۗ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۗ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا. ترجمه: به زودی خواهند گفت: سه نفر بودند، چهارمین آنان سگشان بود. و می‌گویند: پنج نفر بودند، و ششمین آنان سگشان بود، در حالی که [این اظهار نظرهای بی دلیل] تیر به تاریکی انداختن است. و می‌گویند: هفت نفر بودند، هشتمین آنان سگشان بود. بگو: پروردگرم به شماره آنان آگاه تر است، جز اندکی کسی شماره آنان را نمی‌داند. پس درباره آنان بحث و مجادله مکن مگر بحث و مجادله‌ی ظاهر، و در

مورد آنان از هیچ کس نظر نخواه. هفتمین همان‌ش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی  
سئوالی در ذهن می‌نشیند که: آیا راوی تعمداً «کلبهم» را با «خواجه محمد جو دانه» مقایسه کرده‌است؟ بعید به نظر می‌رسد. این نیز نشان از پی‌توجهی مولف به مسئله‌ی مهمی به نام «بینامتن» است.

۲،۱۱،۲ علی‌رغم نظر برخی محققان(سرم‌دی: ۱۳۹۲) که معتقد به کیفیت ترکیب دقیق کلام در نفصه المصدور هستند، نمونه‌های یادشده، شواهدی است دال بر اینکه حداقل برخی از آیات، بدون توجه به تأثیر بینامتنی آنها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این یا نشانگر عدم دقت مولف در تأثیرپذیری از آیات قرآنی است و یا عدم اهمیت به پیشینه معنایی-تأثیری آنها، ولی در هر صورت، اثبات می‌کند که بینامتن موضوعی مهم و کلیدی در تولید متن است که شایسته نیست به هیچ‌روی مورد غفلت واقع شود.

البته در همین کتاب، مواردی را می‌توان به عنوان شاهد مثال یافت که تأثیرپذیری درست صورت گرفته‌است. به عنوان نمونه، به چند مورد زیر اشاره می‌گردد که در آنها، زیدری، با کاربردی صحیح و زیباشناسانه از آیات بهره می‌برد:

**الف)**...و راستی با خویش سر فراسته بودم که چون بار آن عهده از ذمت ضمیر نهاده آید و بموجب "ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها" اعبا آن عقيله از گردن انداخته شود... (نفته المصدر، ص ۱۲، س ۵-۸)

**فضای کلی:** راوی نفته‌المصدر از جریان امانتی که به او واگذار شده است می‌گوید و اینکه تصمیم داشته پس از انجام این ماموریت، استعفا کند.

**ب)** این بخشی از آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نساء است: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا**. ترجمه: خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد. خداوند، شنوا و بیناست .

**فضای کلی:** صدور احکام است و طی این آیه حکم می‌شود که امانات به صاحبان آنها برگردانده شود و بین مردم به حق حکم گردد.

**ج)** مقایسه دو متن نیز تناسب مفاهیم و درستی به کارگیری آن را نشان می‌دهد. هیچ تضاد حسی - دریافتی دیده نمی‌شود و این راه درست استفاده کردن از صنعت تأثیرپذیری اقتباسی است.

#### مورد ۶:

**الف)**...امروز بایمان او موثیق صفای کلی ظاهر کردی و فردا که تجربت رفتی... در کمین فرصت خزیده کمین قصد تا گوش کشیده و از حبائل مکر و مکیدت هزارگونه دام جهت کسر حال من نصب کرده "وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ"...

**فضای کلی:** راوی از نفاق وزیر می‌گوید که در مقابل او، نرم‌خوی و خوش‌زبان بود و پشت سر، شمشیر به هلاکت او برکشیده بود.

**ب)** متن مذکور از آیه ۲۰۴ سوره ۲ (بقره) است: **وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ**. ترجمه: بعضی از مردم، گفتارشان در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می‌شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. در حالی که آنان، سرسخت ترین دشمنانند .

**فضای کلی آیه:** در باب نفاق (دوگانگی زبان و دل) است و "درباره" "اخنس بن شریق" نازل شده که مردی زیبا و خوش‌زبان بود و تظاهر به دوستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌کرد. خود را مسلمان جلوه می‌داد و سوگند می‌خورد که آن حضرت را دوست می‌دارد و به خدا ایمان آورده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم که مأمور به ظاهر بود، با او گرم می‌گرفت و او را مورد محبت قرار می‌داد، ولی آن شرور، در باطن منافقی تمام عیار بود. در ماجرای، زراعت بعضی مسلمانان را آتش زد و چهارپایان آنان را کشت (و به این ترتیب پرده از روی کار او برداشته شد). در اینجا آیات فوق نازل شد. " (مکارم، ۱۳۸۵)

**ج)** مقایسه دو متن، تناسب مفهومی و صحت بکارگیری را نشان می‌دهد و یا حداقل، تضاد حسی - دریافتی ایجاد نمی‌کند.

مورد ۷:

الف)...به استعانت عمرو و زید، و تقدیم انواع حيله و کید، قرار منصب کتابت در غیبت، میان او و بنده "للدکر مثل حظ الاثنین" داد و ثلث کثیر با جانب او نهاد... (نفثه المصدور صص ۱۴ و ۱۵)

فضای کلی: راوی نفثه المصدور، از غیبت خویش و واگذار شدن منصبش به فرد ناتوانی سخن می‌گوید و شاکی است که میراث خوار وی، لیاقت این ارثیه بزرگ (و ثلث الکثیر) را نداشته است.

ب) بخشی از آیه ۱۱ سوره نساء است: **يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيْنَ ۚ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۚ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ ۚ وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَكَلَةٌ ۚ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَكَلَةٌ وَوَرَّثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ۚ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ ۚ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۚ لِأَبَائِكُمْ وَلِأَبْنَاؤِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا ۚ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ ۚ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا**. ترجمه: خداوند درباره فرزندانتان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست و اگر یک دختر باشد، نیمی (از میراث) از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میت، یک ششم میراث است، اگر او فرزندی داشته باشد و اگر فرزندی نداشته باشد، و تنها پدر و مادرش از او ارث می‌برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه‌ی از آن پدر است) و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است و همه اینها) بعد از انجام وصیتی است که او کرده و بعد از ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران (و مادران) و فرزندان، کدام یک برای شما سودمندترند - این فريضة الهی است و خداوند، دانا و حکیم است.

فضای کلی: احکامی مربوط به چگونگی تقسیم ارث و محور اصلی این احکام، رعایت عدالت، در حضور و غیبت است.

ج) مقایسه نشان می‌دهد که اگرچه در این قسمت از نفثه المصدور، بحث مستقیمی از تقسیم ارث نیست، اما به با لحاظ کردن مجاز و کنایه، می‌توان تناسب قابل قبولی از آن دریافت. به خصوص که آنچه ظاهراً راوی از آن ناراضی است، عدم رعایت عدالت در این میراث‌بخشی است که با محور اصلی آیات مقبَس، همخوانی دارد.

### ۳. نتیجه گیری:

نفثه المصدور، اثر ماندگار نسوی زیدری، از نثری بهره می‌برد که مملو از صناعات مختلف است. در میان این صنایع، تاثیرپذیری، به خصوص وام‌گیری و انواع اقتباس و تضمین، با بسامد بالای خود در سراسر متن، از مهمترین مؤلفه‌های سبکی مؤلف است. وام‌گیری‌ها و اقتباسات از منابع متفاوتی همچون؛ آیات، احادیث، اشعار، ضرب‌المثل‌ها و ... تامین شده‌اند. این وام‌گرفته‌ها و مقتبسات، به اشکال مختلفی در متن به کار رفته‌اند که عمده‌ی آنها به این قرار است: با "که" حرف ربط برای توضیح و تبیین، به صورت ترکیب اضافی، برای تایید و تاکید معانی قبل، برای متمیم معنی نیمه تمام عبارت فارسی، به صورت جمله‌ی معترضه به قصد تایید و تاکید کلام، به صورت تشبیه و تمثیل، به صورت قید وصف

و حالت و کیفیت، به صورت مخلص، به طریق حل، به صورت اشارت به پاره ای از کلمات مشخص و برجسته آیه و حدیث و مثل.

در این میان، تأثیرپذیری و وام‌گیری از متن کلام الهی قرآن، فراوانی قابل توجهی دارد که به طور متوسط شامل یک مورد برای هر یک صفحه از کتاب است. از نظر کمی، در متن نفثه‌المصدر مجموعاً از ۱۳۴ آیه مستقیماً بهره گرفته شده که در ۲۲۸ موضع بکار رفته‌اند. یعنی در ۸۹ مورد (۶۶٫۴ درصد از کل موارد) آیات تکراری‌اند. در ۸۴ مورد (۴۶٫۴ درصد) یک آیه دوبار و در ۵ مورد (۳٫۶ درصد) یک آیه، سه بار استفاده شده‌است.

از نظر بررسی کیفی، علیرغم آنکه بسیاری از آیات با توجه به معنای همبافتی (Co-Text) آن استفاده شده و در روند تشکیل بینامتن و نیز همگنی تأثیرات حسی-دریافتی خللی نیست، لیکن مواردی نیز مشاهده می‌شود که مولف، بدون توجه به سابقه معنایی و فضای معنایی آیه، مرتبط با صدر و ذیل آن در متن قرآن کریم، بخشی از یک آیه (گاه یک کلمه یا عبارت شاخص)، آیه کامل و یا آیاتی متوالی را به کار گرفته‌است که در صورت آشنایی مخاطب با سابقه‌ی آیه و بافت (context) معنایی حسی قرآنی، عدم هماهنگی جدی را موجب می‌شود. این ناهماهنگی فی الواقع، در بینامتنی حضور می‌یابد که از همین تأثیرپذیری‌های اقتباسی، تضمینی، وام‌گیری و ... شکل می‌گیرد. یعنی بین معنا و فضای آیه در متن قرآن کریم و معنای آن در متن کتاب نفثه‌المصدر دوگانگی بوجود می‌آید. این موارد باعث می‌شود تا امتیاز وحدت ارتقاءدهنده از متن ساقط گردد.

پیشنهاد تحقیق بعدی: سؤال جدی که در این میان مطرح است، موضوع مولف نسبت به این قضیه‌است. از سویی می‌توان توجه کرد که مولف بدون توجه و اهمیت برای تأثیرات بینامتنی به وام‌گیری آیات ناهمخوان دست‌زده‌است و از سوی دیگر مخاطب ممکن است مولف را به عدم‌آگاهی نسبت به این تأثیرات بینامتنی متهم کند. اگرچه دانش قابل توجه و حضور ذهن معتنا به زیدری نسبت به قرآن که از زیرکی وی در اقتباسات، تضمین‌ها و وام‌گیری‌های متعدد برمی‌آید، نظریه‌ی دوم را کمرنگ خواهد ساخت و در نتیجه، متن نفثه‌المصدر را شایسته مطالعه چندباره، به جهت درک نظر مولف نسبت به مسائل و اشخاص می‌سازد.

www.anjomanfarsi.ir

منابع:

قرآن کریم (بر اساس ترجمه و شرح مختصر ناصر مکارم شیرازی).

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ذیل کلید واژگان: وام، وام‌گیری و تضمین.

\*\*\*

بتلاب اکبر آبادی، محسن (۱۳۹۰) نموده‌های رمانتیسیم در نفثه‌المصدر، مجله علمی-پژوهشی پژوهش‌های زبان و

ادبیات فارسی، سال سوم، شماره ۳ پیاپی ۱۱، صص ۶۰-۴۷.

ثروت، منصور (۱۳۹۱)، درد دل: تحریر نوین نفثه‌المصدر شهاب‌الدین محمد منشی نسوی، تهران: علمی.

راستگو، سید محمد حسن (۱۳۷۶) تجلی قرآن در شعر و ادب فارسی توسط، تهران: نشر سمت.

راستگو، سید محمد (۱۳۵۲)، *دیوان حافظ*، قم: نشر خرم.

رنجبر، محمود (۱۳۹۱) بررسی روایت و بن مایه‌های داستانی در نفثه المصدور، *کاوش‌نامه*، سال ۱۳، شماره ۲۵.

سرمدی مجید، عابدی علی (۱۳۹۲)، بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفثه المصدور، *پژوهش‌های ادبی*

*قرآنی*: زمستان ۱۳۹۲، دوره ۱، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۲.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱) *رستاخیز کلمات*، جادوی مجاورت، تهران: سخن.

صادقی، محمد (۱۳۸۷)، بررسی کنایه و انواع آن در نفثه المصدور، *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

شماره ۷.

طحان احمد (۱۳۸۷)، نقد و بررسی زیبا شناختی «نفثه المصدور»، *پژوهش‌های ادبی*، بهار ۱۳۸۷، دوره ۵، شماره

۱۹، صص ۸۹-۱۱۶.

علامه قزوینی، محمد (۱۳۸۸) *چهار مقاله و تعلیقات نظامی عروضی سمرقندی*، به کوشش دکتر محمد معین چاپ:

دوم، تهران: انتشارات معین.

فاضل، احمد (۱۳۸۸)، در آملی بر سخن آرای و ظرافتهای معنایی در نفثه المصدور زیدری نسوی، *پژوهش‌نامه*

*زبان و ادبیات فارسی*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۱۱-۱۲۶.

قدیری یگانه شبینم (۱۳۸۹) صنعت ایهام در آفرینش سبک هنری نفثه المصدور، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*

*(بهار ادب)*: تابستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۲ (پی در پی ۸)، صص ۱۶۸-۱۴۹.

محقق، مهدی (۱۳۸۶) *دیوان ناصر خسرو*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

محمدیان زهرا (۱۳۹۲) نگاهی به نثر فنی بر مبنای مقایسه نفثه المصدور و دره نادره، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*

*(بهار ادب)*. تابستان ۱۳۹۲، دوره ۶، شماره ۲ (پی در پی ۲۰)، صص ۳۶۱-۳۴۷.

مهربان صدیقه (۱۳۹۰) نگاهی تازه به ویژگیهای زبانی و بلاغی نفثه المصدور، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*

*(بهار ادب)*. زمستان ۱۳۹۰، دوره ۴، شماره ۴ (پی در پی ۱۴)، صص ۱۵۳-۴۳.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶) *بینامتنیت و بارت تأملی بر نظریه «بینامتنیت» رولان بارت*، روزنامه ایران، شماره ۳۷۶۰،

صفحه ۱۰.

نصرتی، مهرداد (۱۳۹۱) *مقدمات فرآیند ادبی*، کرمان: مؤلف.

یزدگردی، امیرحسن (۱۳۷۰) *نفثه المصدور زیدری نسوی*، تهران: ویراستار.